بسم الله الرحمن الرحیم

سوره مبارکه عصر

استاد ضرابی آذر۱۳۹۹

جلسه دوم ۹۹/۹/۶

آیات شریفه: «وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) - سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] (۱) که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)»

عنوان:میزان و شاخص سعادت

«العصر»: شاخص و میزان سعادت انسان است با بحثی که ارائه خواهد شد این مطلب روشن خواهد شد که خداوند با مقیاس وشاخص قرار دادن عصر وحقیقت آن برای ما این امکان به ما داده شده که می توانیم با آن خسران و شقاوت را اندازه گیری و سنجش کنیم از این نظر خداوند به آن سوگند یاد نموده است. (والعصر).

گفته شد که سوگندهای الهی، افزون بر جنبه‌های متعارف، درمیان نهادن و نشان دادن دلیلی واضح است که درستی سخن را در اعلی مرتبه آن اثبات می‌کند و مانند سوگند ما انسان‌ها، تنها واسطه کردن و پناه بردن به اعتبار و ارزش یک امر مورد قبول مخاطب نیست؛ که در هنگام اضطرار یا نبودن راهی برای اثبات مدعای خود به آن متوسل می‌شویم.

سخن خداوند معمولا اینگونه نیست مانند سخن خداوند برای وعده روزی: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ * فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ- و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می‌شود! سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است، همان گونه که شما سخن می‌گویید!» (سوره ذاریات/۲۲و۲۳)

در این سوگند توجه دادن به جهاز تکلم و نقش آن بزرگترین دلیل بر رزّاقیت حضرت حق شمرده می‌شود.

یا آنکه درباره رسالت پیامبر(ص) می‌فرماید: «وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ - سوگند به قرآن حکیم که تو قطعاً از رسولان (خداوند) هستی.» (سوره یس/۲و۳)

در این سوگند بزرگترین دلیل بر رسالت، قرآن حکیم است که خداوند به آن توجه می‌دهد.

پاسخ این سؤال که این دلیل واضح در آیه شریفه : «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» که درستی سخن را اثبات می‌کند چیست و کلمه « العصر» چگونه می‌تواند میزان و شاخص باشد، در ذیل بحث از کلمه طیبه «بسم الله الرحمن الرحیم» بطور مختصر به آن اشاره شد.

به آهی که از سینه سوخته کشد شعله تا عرش اعلا قسم
اگر می‌شناسی خداوند را به ذات خداوند یکتا قسم

عنوان:تفصیل بیشتر

با شرحی که در این سوره شریفه از راه سعادت انسان ارائه گردیده(إلا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصو بالحق و تواصوا بالصبر)، در واقع صراط مستقیم یا میزان سعادت و شقاوت و یا سود بردن در تجارت با خدا و خسران ابدی، در صورت عدم پیمودن راه سعادت، به انسان نشان داده شده است.

راهی که انسان را به مقام خلافت الهی و مظهریت اسماء و صفات او می‌رساند، همان صراط مستقیمی که خداوند آن را با کلمه «العصر» یاد می‌کند و به آن سوگند می‌خورد و شاخص و میزان سنجش اعمال ظاهری و باطنی انسان است و نیز بر وجود انسان کامل و ولیّ خدا و حجت حق منطبق می‌گردد، همان راهی که در دنیا از تدبرّ در آیات الهی شروع شده، به منازل ایمان و عمل صالح می‌رسد (الا الذین آمنوا)و سپس رسالت گونه با تبلیغ و انتشار راه حق (وتواصوا بالحق) و

دعوت به صبر و استقامت و پیشی‌گرفتن در آن به دیگران، با پیمودن راه بندگی حقّ متعال، انسان مظهر اراده پروردگار خود می‌شود، همان راهی را که اسوه حسنه، پیامبر مکرم اسلام پیمود و فرزندان پاک و معصومش(صلوات الله علیهم) با زندگی خود عملا به مردم نشان دادند و همه را به پیمودن آن دعوت نمودند و چه جانبازیها و فداکاریها که در این راه از خود نشان ندادند.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا - قطعا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند .» (الأحزاب/ ۲۱)

هر که ز اهل خداست تابع آل عباست　　منکر آل رسول دشمن دین خداست

دوستی خاندان درد دلم را دواست　　جان علی ولیّ در حرم کبریاست

صورت او «هل أتی» معنی او «إنّما»ست　　باب حسین و حسن ابن عم مصطفاست

عنوان:غرقه در خسران

به راستی وقتی انسان تصدیق خواهد کرد غوطه‌ور در خسران است که زندگانی خود را با زندگانی ولیّ خدا که میزان سنجش حق از باطل است مقایسه می‌کند. خداوند امیر مؤمنان علی (علیه السلام را میزان اعمال و پیمودن راه بندگی و تقسیم کننده بهشت و جهنم قرار داد؛ زیرا چگونگی بهره‌گیری او از لحظه لحظه عمر مبارکش در برابر چشمان ما بخوبی بازگوکننده این حقیقت است که ما تا چه اندازه در خسران و زیان آشکار قرار داریم.

بازگو ای بازِ عرش خوش شکار　　تا چه دیدی این زمان از کردگار؟

چشم تو ادراک غیب آموخته　　چشمهای حاضران را دوخته

ای کاش آنها که در مسأله خلافت آتش اختلاف بین مسلمانان افکندند. از این نکته غفلت نمی‌کردند که بلندترین کوه آن است که با عظمت و بزرگی خود در برابر

همه آشکار باشد و دیگران در برابر او خردی و ناچیزی خود را ببینند . نه آنکه بخواهند با شور و مشورت تصمیم بگیرند که کدام کوه را بزرگترین معرفی کنند. در این مسأله تاریخ بزرگترین گواه است و هیچیک ازخلفا ادعای برتری بر امیرمؤمنان علی را نداشتند و کسی نیز زندگی خود و افتخاراتش را با او مقایسه نمی‌کرد، همگان هم عملا به چشم می‌دیدند و هم رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) ابعاد نادیده آنها را به وفور در سخنان خود تصریح نموده است؛ با این وصف چگونه است که این حقیقت روشن با دسیسه‌های شیطانی، مورد اختلاف قرار گرفته!!! خدا عالم است.

قال الجمال الزرندی: «قال المأمون لعلیّ الرضا علیه السلام بأیّ وجهٍ جدّک علیّ بن أبی طالب علیه السلام قسیم الجنّة و النار؟ فقال: ... قال رسول الله: أنت قسیم الجنّة و النّار، فیوم القیامة تقول للنّار هذا لی و هذا لک - جمال زرندی نقل کرده است که روزی مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: به چه علت جدت علی بن ابیطالب علیه السلام، قسیم الجنة و النار خوانده شده است؟ پس امام رضا به او فرمودند: ای مأمون آیا تو از پدرت از ابن عباس از رسول خدا نقل نکردید که گفت: از رسول خدا شنیدم؛ که فرمود: حبّ علی، ایمان و دشمنی با علی، کفر است؟ پس مأمون پاسخ داد: آری. حضرت رضا فرمودند: پس بهشت و دوزخ را بر اساس حبّ او (ع) تقسیم می کنند. مأمون گفت: خدا مرا بعد از تو باقی نگذارد ای اباالحسن. شهادت می دهم که تو وارث علم رسول الله هستی .

ابوصلت هروی می گوید: وقتی که امام رضا علیه السلام به منزل برگشتند به او گفتم: ای پسر رسول خدا چه نیکو جواب مأمون را دادی. حضرت فرمودند: ای اباصلت من این جواب را از جهت او دادم. ولی من از پدرم شنیدم که از پدرش. .. از علی (ع) نقل می کرد که رسول خدا به ایشان فرمود: تو تقسیم کننده بهشت و جهنم هستی پس روز قیامت به آتش می گوید این (شخص) برای من و این برای تو»(جواهر العقدین، ج۲، ق۲: ٤٢٩، به این مضمون أبو سعد آبی، نثر الدرر، ج۱، ص۲۵۲)

ای علی که جمله عقل و دیده ای شمّه ای واگو از آن چه دیده ای

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد آب علمت خاک ما را پاک کرد

عنوان:کدام خسارت بالاتر از دور افتادن از هدایت اولیاء است؟

همانطور که می‌بینید خداوند در این سوره شریفه فقط سوگند نخورده است که انسان باور کند در زیان و خسارت است بلکه هم میزان و ملاک آن را روشن ساخته و هم الگوهای عملی در اختیار او قرار داده تا به چشم ببیند و تصدیق کند. اما مصیبت از وقتی شروع می‌شود که انسان، حق و میزان حق را می‌بیند و می‌شناسد ولی بخاطر راحت و لذات خود از پیروی از آن امتناع می‌کند یا خود را به ندیدن می‌زند و یا به تشکیکاتی رو می‌آورد که قباحت و زشتی کارش را بپوشاند. «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ - و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید. (و چگونه هلاک شدند)» (نمل/۱۴)

حضرت زهرا(س) در این باره فرمود: «فَجَعَلَ اللّهُ...طاعَتَنا نِظاماً لِلملةِ وَ اِمامَتَنا اَماناًلِلفُرقَة - خداوند اطاعت و پیروی ما (اهل بیت) را سبب برقراری نظم (اجتماعی) برای امّت (اسلامی) و امامت و رهبری ما را (عامل وحدت) در امان ماندن از تفرقه قرار داده است.» (فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س) ص ۲۱)

و در جای دیگر فرمود: «اَمَا وَ اللّهِ لَو تَرَکُوا الحَقَّ عَلَی اَهلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِترَةَ نَبیّهِ لَمَا اختَلَفَ فِی اللّهِ اثنَان - به خدا سوگند! اگر حق(امامت) را به اهلش واگذار می کردند و از عترت و رسول خدا(ص) اطاعت می کردند، دو نفر هم درباره خدا(و حکم او) اختلاف نمی کردند.» و ادامه داد: «ویحهم أنّی زعزعوها عن رواسی الرّسالة و قواعد النّبوّة و الدّلالة و مهبط الرّوح الأمین... - وای بر آنان! چرا خلافت را از مرکز رسالت و پایه های نبوت و راهنما و مهبط وحی جبرئیل(ع) بیرون بردند.»(بحارالانوار، جلد ۳۶، صفحه ۳۵۲)

«وَيْحَهُمْ اَنّی زَعْزَعُوها عَنْ رَواسِی الرِّسالَةِ وَ قَواعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدَّلالَةِ، وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الاَمِینَ وَ المطّلِعِینِ بِاُمُورِ الدُّنْیا وَ الدِّینِ "أَلاَ ذَلِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِینُ" -

وای بر آنها چگونه خلافت را از کوه های محکم رسالت، و شالوده های متین نبوّت و رهبری، و جایگاه نزول وحی و جبرئیل امین، و آگاهان در امر دنیا و دین، کنار زدند؟ "آگاه باشید زیان آشکار همین است(زمر/ ۱۵) "» (خطبه حضرت زهرا(س) در جمع زنان مدینه)

راز بگشا ای علی مرتضی ای پس از سوء القضا حسن القضا